

روابط اسرائیل و آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

حسین اکبری^۱

پیمان غنی زاده^۲

چکیده

فروپاشی شوروی باعث جدایی منطقه قفقاز جنوبی و استقلال جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان شود. وجود یهودیان مقیم در آذربایجان، ماهیت سکولار آن و مسائل جهان اسلام برای اسرائیل فرصت مناسبی را ایجاد کرد تا بر اساس دکترین بن گورین روابط خود را با کشور جمهوری آذربایجان گسترش دهد. آذربایجان نیز به سبب نوپا بودن برای تقویت پایه‌های خود و همچنین کسب حمایت غرب در بحران قره‌باغ از این روابط استقبال کرده است. این مقاله به روش تحلیلی توصیفی به دنبال پاسخ به این پرسش است که عوامل و زمینه‌های همگرایی آذربایجان و اسرائیل و همچنین تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بعد از فروپاشی شوروی روابط اسرائیل و آذربایجان در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی رو به گسترش بوده و همسایگی کشور آذربایجان با ایران و نفوذ اسرائیل در این کشور می‌تواند تهدیدی علیه منافع ملی ایران باشد.

واژگان کلیدی: آذربایجان، اسرائیل، قفقاز جنوبی، امنیت، نظامی، دکترین بن گورین

^۱ استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه مفید قم (نویسنده مسئول)

Peyman.ghani@gmail.com

مقدمه

روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل با سفر معاون نخست‌وزیر اسرائیل به باکو در سال ۱۹۹۲ آغاز شد. اوج توسعه روابط جمهوری آذربایجان با اسرائیل در زمان جبهه خلق به رهبری ابوالفضل ایلچی بیگ، دومین رئیس‌جمهور آذربایجان، بود. در این دوره اسرائیل سفارت خود را در این کشور به سطح سفیر ارتقا داد و از نظر سیاسی در زمینه‌های آموزش دیپلماتیک، روزنامه‌نگاری، خبرگزاری و احزاب سیاسی با جمهوری آذربایجان همکاری کرد. روابط در زمان حیدر علی‌اف، سومین رئیس‌جمهور آذربایجان نیز ادامه پیدا کرد؛ از جمله اینکه در طول سال‌های ۹۵-۱۹۹۴، بیست‌وپنج دیپلمات از باکو برای گذراندن دوره‌های روابط بین‌المللی در وزارت خارجه اسرائیل، عازم تل‌آویو شدند. اواخر ژوئن ۲۰۰۹ در دوره الهام علی‌اف، چهارمین رئیس‌جمهور آذربایجان، شیمون پرز رئیس‌جمهور اسرائیل به باکو سفر کرد. در طی این سفر دو طرف توافق‌نامه‌هایی را جهت همکاری در زمینه‌های مختلف از جمله آموزش، فرهنگ، اطلاعات و فناوری‌های ارتباطی با یکدیگر به امضاء رساندند. از زمینه‌های موردعلاقه طرفین همکاری‌های نظامی است چراکه اسرائیل به دنبال نفوذ در قفقاز و نزدیک بودن به ایران است و آذربایجان به جهت حساسیت مسئله قره‌باغ به دنبال استفاده از تکنولوژی نظامی اسرائیل است. می‌توان زمینه‌های همکاری را در سایر حوزه‌ها نیز مشاهده کرد از این‌رو، این مقاله به روش تحلیلی توصیفی به دنبال پاسخ به این پرسش است که عوامل و زمینه‌های همگرایی آذربایجان و اسرائیل و همچنین تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران چیست؟ فرضیه مقاله این است که روابط اسرائیل و آذربایجان در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، انرژی و نظامی بر اساس دکترین بن‌گورین اسرائیل و سیاست آذربایجان بعد از تحول نظام بین‌الملل و کسب استقلال سیاسی در کنار عواملی چون وجود یهودیان آذربایجان، ماهیت سکولار آن و مسائل جهان اسلام بوده که این روابط می‌تواند به خاطر همسایگی کشور آذربایجان با ایران و نفوذ اسرائیل در این کشور تهدیدی علیه منافع ملی ایران باشد.

چارچوب مفهومی

همگرایی و واگرایی تابعی از تلقی دولت‌ها و بازیگران عرصه سیاست نسبت به منافع ملی و جمعی و یا فردی خود است؛ به عبارت دیگر، بازیگری که تن به شرکت در فرایند همگرایی یا واگرایی با سایر بازیگران در سطوح مختلف می‌دهد، به این امر می‌اندیشد که این امر تا چه اندازه منافع او را تأمین و یا تهدیدات احتمالی را از او دور می‌سازد (کریمی پور و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۰۹). همگرایی یک فرایند و حرکتی در جهت افزایش همکاری میان دولت‌ها است و از این رو، همگرایی یک متغیر وابسته است که به وسیله یک سلسله علل و شرایط به وجود می‌آید، دوام پیدا می‌کند و تقویت می‌شود (راد گودرزی و صفری، ۱۳۹۶: ۹۲). در مقابل همگرایی، مبحث واگرایی است که ناظر بر رفتار دوری‌گزینی کشورها و دولت‌ها نسبت به یکدیگر است. در رویکرد واقع‌گرایی به عدم ترغیب واحدهای سیاسی به همکاری و اشتراک مساعی در عرصه سیاست بین‌الملل، واگرایی گفته می‌شود که موجب دوری این واحدهای سیاسی از یکدیگر و فراهم آوردن زمینه‌های بحران و جنگ می‌گردد. از طرفی، وقتی واحدهای سیاسی از یکدیگر فاصله گرفته و رغبتی به همکاری و اتفاق‌نظر نداشته باشند، گفته می‌شود که بازیگران این واحدهای سیاسی واگرا شده‌اند؛ یعنی زمینه‌های وحدت و پیوستگی را نادیده گرفته و از دست داده‌اند. از همین رو، در واگرایی کشورها برای تأمین بهتر منافع خود و افزایش ضریب امنیتی، تمایلات فرا منطقه‌ای بیشتری از خود نشان می‌دهند و نسبت به همکاری‌های منطقه‌ای رغبت کمتری نشان بدهند (پیشین: ۹۳).

حوزه‌های همگرایی

الف) همگرایی سیاسی: به هماهنگی در زمینه سیاست‌ها و تصمیم‌گیری واحدهای مختلف اطلاق می‌شود.

ب) همگرایی اجتماعی: این نوع از همگرایی پیش‌زمینه و تسهیل‌کننده همگرایی‌های سیاسی و اقتصادی است. نظریه‌پردازانی چون کوهن و نای، برای توسعه ارتباطات اجتماعی، بیش از عوامل دیگر در تحقق همگرایی اهمیت قائل هستند. اندیشمندانی چون کارل دویچ، توسعه مبادلات اجتماعی را در ایجاد هویت مشابه، تصور منافع مشترک و پیوند جامعه مؤثر می‌داند و نسبت به همگرایی اجتماعی بیشتر به ارتباطات فردی شامل توریسم، ارتباطات فرهنگی، تجارت و... اشاره می‌کند.

ج) همگرایی اقتصادی: این برداشت از همگرایی، بیشتر به مسائل اقتصادی در چارچوب ایجاد اتحادیه‌های گمرکی و وضع تعرفه‌های خاص در روابط کشورهای عضو یک اتحادیه اقتصادی مربوط می‌شود و از این مدل به‌عنوان عاملی برای رشد اقتصادی جوامع ذکر می‌گردد که به افزایش روابط اقتصادی و تجاری بین کشورها مثل جریان آزاد سرمایه و نیروی کار تأکید دارد (کیانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۱). در ادامه تلاش است تا برای بررسی عوامل عمل‌گرایی آذربایجان و اسرائیل ابتدا به راهبردهای سیاست خارجی و سپس به عوامل مؤثر پرداخته شود.

سیاست خارجی آذربایجان

آذربایجان از زمان استقلال خود در سال ۱۹۹۱، سیاست خارجی خود را با ملاحظات منطقه‌ای و داخلی تدوین کرده است. با توجه به وجود همسایگان قدرتمندی چون روسیه، ایران و مسائل منطقه‌ای چون بحران قره‌باغ این کشور تلاش داشته است تا برای تأمین اهداف ملی خود سیاست‌هایی مبتنی بر دیپلماسی، موازنه قدرت و برقراری روابط نزدیک با غرب و متحدان آن را پیگیری کند. به‌طورکلی، اساس سیاست خارجی جمهوری آذربایجان به این شرح است:

- دنبال کردن سیاست خارجی مستقل به‌منظور برپایی تمامیت ارضی و حاکمیت آذربایجان
- تفوق بر مخاطرات امنیت، استقلال سیاسی، حاکمیت و تمامیت ارضی آذربایجان

- توسعه دموکراسی پلورالیستی بر اساس اقتصاد بازار آزاد و حاکمیت قانون
- رفع نتایج تجاوز نظامی ارمنستان
- توسعه روابط متقابل حسن هم‌جواری و سودمند با دولت‌های همسایه
- ادغام در ساختارهای اروپایی و فرا‌آتلانتیکی شامل ناتو و اتحادیه اروپا
- غیرنظامی کردن دریای خزر (QAFQAZ,1395)

سیاست خارجی اسرائیل

رژیم صهیونیستی در هم تنیدگی سیاست خارجی و سیاست دفاعی قابل توجهی دارد چراکه تأمین امنیت و بقای خود را در درجه اول اولویت‌های سیاست خارجی قرار داده است (افرایم انبار، ۱۳۸۸: ۱۷-۱۶). دیوید بن گوریون نخست‌وزیر اسرائیل در دهه ۱۹۵۰ دکتترین «پیرامون» را اساس سیاست خود قرارداد؛ این اقدام بر اساس فرضیه‌ای بود که اسرائیل باید روابط نزدیکی با کشورهای غیرعربی منطقه برقرار کند تا خود را از همسایگان عرب متخاصم محافظت نماید. بدین ترتیب، بن گوریون برای خروج از محاصره و شکستن آن، دکتترین مذکور را در دستور کار خویش قرارداد. او معتقد بود عموم کشورهای عرب به دلایل متعدد، حتی در میان‌مدت با دولت وی رابطه‌ای نخواهند داشت و از نفوذ خود برای محدود کردن این حکومت، در صحنه جهانی استفاده خواهند کرد. افزون بر آن امکانات و ظرفیت‌های خود به‌ویژه نفت را به‌عنوان سلاحی علیه دولت یهود به کار خواهند برد؛ بنابراین از نظر او تنها راه خروج از این بن‌بست دور زدن اعراب و برقراری پیوند با دیگر واحدهای سیاسی خارج از این محدوده است (شادمانی و یزدانی، ۱۳۹۷: ۱۵۱). در همین راستا، یکی از مناطقی که مورد توجه اسرائیل قرار گرفت منطقه قفقاز بود. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، اسرائیل به‌منظور گسترش نفوذ در منطقه قفقاز، روابط همه جانبه‌ای را با جمهوری‌های تازه به استقلال رسیده برقرار کرد. به‌طور کلی، سابقه روابط اسرائیل با کشورهای آسیای میانه در سه دوره تاریخی مجزا قابل بررسی است:

الف) از زمان تأسیس اسرائیل تا قبل از روی کار آمدن گورباچف؛ در این دوره شوروی موضعی خصمانه در قبال اسرائیل اتخاذ کرده بود و بالطبع جمهوری‌های منطقه که هیچ‌گونه ارتباطی جز از طریق دولت مرکزی با جهان خارج نداشتند نیز از هیچ رابطه‌ای با اسرائیل برخوردار نبودند.

ب) دومین دوره از روی کار آمدن گورباچف تا زمان فروپاشی شوروی ادامه داشته است؛ در این دوره، سیاست خارجی شوروی در قبال اسرائیل تحول یافت و تا پایان سال ۱۹۹۱ بین طرفین سفیر جابجا شد. همچنین به یهودیان روسیه اجازه داده شد تا مهاجرت دسته-جمعی به اسرائیل داشته باشند.

ج) سومین مرحله بعد از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های مشترک‌المنافع آغاز گردید؛ در این دوره اسرائیل به‌عنوان یکی از رقبای بانفوذ وارد صحنه رقابت منطقه‌ای گردید (رضایی، ۱۳۷۷: ۶۷-۶۶). اولویت‌های راهبردی سیاست خارجی رژیم صهیونیستی عبارت است از:

- کسب مشروعیت جهانی و منطقه‌ای با برقراری روابط سیاسی با جمهوری‌های مسلمان منطقه
- تلاش برای ارتقای موقعیت یهودیان و تسهیل مهاجرت آنان به سرزمین‌های اشغالی
- جلوگیری از توسعه روابط جمهوری‌های قفقاز با ایران و نفوذ الگوی حکومتی ایران بر منطقه
- حضور در مرزهای شمالی ایران و ایجاد نگرانی امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران
- تأثیرگذاری جهانی بانفوذ بر کشورهای دارای ذخایر انرژی
- ایجاد حیاط خلوت در منطقه برای انجام اقدامات نظامی (جعفری فر و جوان پور هروی، ۱۳۹۷: ۸۷)؛ بنابراین آذربایجان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد.

عوامل مؤثر بر نزدیکی اسرائیل و جمهوری آذربایجان

باید گفت نفوذ اسرائیل در آذربایجان از دوران حکومت ملی‌گرایان افراطی جبهه خلق بر آذربایجان آغاز شد. ابوالفضل ایلچی بیگ، رئیس جبهه خلق، به دنبال تشکیل توران بزرگ از ترکیه تا چین بود. از طرفی حکومت جبهه خلق و اسرائیل در دشمنی با ایران نیز دیدگاه مشترکی داشتند و همین موضوع زمینه حضور اسرائیل در آذربایجان را در سال ۱۹۹۲ هر چه بیشتر فراهم نموده و در طی سفر معاون وقت نخست‌وزیر اسرائیل به باکو در سال ۱۹۹۲ مقابله نامه افتتاح سفارت اسرائیل در باکو و قرارداد دایر کردن خطوط هوایی باکو-تل‌آویو منعقد شد. روابط رسمی آذربایجان و اسرائیل در سال ۱۹۹۲ با معرفی الیز یوتواب به‌عنوان کاردار موقت اسرائیل برقرار شد. وی یک سال بعد به‌عنوان سفیر ارتقای مقام یافت. پس از ایلچی بیگ، حیدر علی‌اف نیز با این تصور که بدون رابطه با اسرائیل نمی‌توان از حمایت آمریکا بهره‌برد، روابط خود را با رژیم صهیونیستی گسترش داد (کازمی، ۱۳۸۴: ۴۶۰). اسرائیل دوازده راهبرد را در آذربایجان برای سیاست خارجی خود ترسیم کرده است: راهبرد شیعه‌ستیزی؛ راهبرد فرهنگی؛ راهبرد سیاسی؛ راهبرد اقتصادی؛ راهبرد ایران‌ستیزی؛ راهبرد دیاسپورا سازی یا قومیت‌گرایی؛ راهبرد رسانه‌ای؛ راهبرد امنیتی؛ راهبرد انرژی؛ راهبرد نظامی؛ راهبرد آموزشی و جعل و باستان‌شناسی؛ راهبرد اسکان یهودیان در جمهوری آذربایجان. با این توضیحات می‌توان مهم‌ترین عوامل نزدیکی را چنین برشمرد:

۱- تحول نظام بین‌الملل

قرار گرفتن آذربایجان در یک موقعیت ژئوپلیتیکی مناسب و شرایط استراتژیکی مهم در قفقاز جنوبی باعث شده که این کشور برای غرب بسیار مهم تلقی گردد. فروپاشی شوروی و استقلال آذربایجان برای آمریکا و متحد استراتژیک آن یعنی اسرائیل این امکان را به وجود آورد تا با ایجاد روابط با باکو بتوانند نفوذ خود را در این کشور و در قفقاز

جنوبی گسترش دهند. درگیری آذربایجان و ارمنستان بر سر قره‌باغ باعث گردید تا دولت جمهوری نوپای آذربایجان با گرایش به طرف غرب و متعاقباً اسرائیل برای واسطه قرار دادن این کشور، موجب کاهش حمایت‌های غرب از ارمنستان و جلب نظر به سوی خود شود (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲: ۱۸۳). پس از ۱۱ سپتامبر محافل غرب‌گرای باکو، به امید کسب حمایت غرب برای حل مناقشه قره‌باغ از حمله آمریکا به افغانستان حمایت و بار دیگر پیروی از غرب را در اولویت سیاست خارجی خود قرار دادند. در این راستا جمهوری آذربایجان حتی به عراق نیز نیرو فرستاد و بحث استقرار پایگاه نظامی آمریکا در خاک جمهوری آذربایجان مطرح شد (زیباکلام و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۰). با طرح عدم وابستگی به انرژی روسیه توسط اروپا نیز آذربایجان در مرکز توجه غرب قرار گرفته است؛ بنابراین در شرایط بعد از فروپاشی شوروی، شاهد تغییراتی در سیاست خارجی آذربایجان هستیم. با ایفای نقش نیروهای مداخله‌گر بین‌المللی و همچنین حضور نیروهای چالش‌گر منطقه‌ای شاهد ظهور سطح جدیدی از جدال ژئوپلیتیکی و امنیتی هستیم. بر اساس دکترین پیرامونی دیوید بن گوریون و نیز طرح خاورمیانه بزرگ و با فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های تشکیل‌دهنده آن، فرصت بزرگی برای رژیم صهیونیستی پدید آمد تا در پی ایجاد روابط با آذربایجان برآید.

۲- یهودیان آذربایجان

سکونت اقلیت یهودی در جمهوری آذربایجان تنها پارامتری است که اسرائیل توانسته به‌توسط آن با حوزه فرهنگی این جامعه ارتباط برقرار کند. اسرائیلی‌ها با درک بافت فرهنگی و اجتماعی جامعه آذربایجان در برخورد با ادیان مختلف، معتقدند که مسئله روابط فرهنگی برای این کشور از اهمیت بالایی برخوردار است، چراکه اگر اسرائیل در طراحی مناسبات خود با آذربایجان مقوله فرهنگی را نادیده بگیرد، در بلندمدت زمینه‌های فعالیت خود را در این کشور از دست خواهد داد. اسرائیل در زمینه‌های فرهنگی اقدام به ساخت

بیمارستان، آموزشگاه و کتابخانه در جمهوری آذربایجان کرده است و سعی دارد روابط نزدیکی با قشر جوان این کشور برقرار کند.

در حالی که هنوز اتحاد جماهیر شوروی فروپاشیده بود، اسرائیل برای حضور در آذربایجان که اکثریت جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دهد، تلاش می‌کرد. در این راستا در سال ۱۹۹۰ انجمن دوستی آذربایجان و اسرائیل ایجاد شد و از همان زمان و از طریق همین انجمن، یهودی‌های این کشور باهم کیشان خود در آمریکا و اسرائیل روابط نزدیکی دارند. روسای جوامع یهودیان آذربایجان بارها با روسای شش سازمان پیشروی یهودی آمریکا ملاقات کرده‌اند (کاظمی، ۱۳۸۴: ۴۶۰). آذربایجان وطن حدود یازده هزار یهودی است که از ساکنین اولیه شهرهای آن هستند. علاوه بر آن پنج کنیسه در این جمهوری وجود دارد و با توجه به اینکه اسرائیل نسبت به سرنوشت یهودیان در سراسر دنیا حساس است چنین پیش‌زمینه‌ای سبب تمایل هرچه بیشتر اسرائیل برای همکاری با آذربایجان شده است. جمهوری آذربایجان سومین کشور مسلمانی است که بعد از مصر و ترکیه با اسرائیل رابطه راهبردی برقرار کرده است (Abilov, 2010: 318-319).

۳- ماهیت سکولار دولت آذربایجان

ماهیت سکولارگونه حکومت در جمهوری آذربایجان و گرایش غرب‌گرایانه به‌علاوه نبود بنیادگرایی مذهبی در میان مردم آذربایجان زمینه مناسبی برای ایجاد حس دوستی و حمایت از اسرائیل را در بین آذربایجانی‌ها ایجاد می‌کند. در نگاه اسرائیل آذربایجان به‌عنوان شریک راهبردی اسرائیل دیده می‌شود. آذربایجان و اسرائیل در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی همکاری دوجانبه دارند (جعفری فر و جوان پور هروی، ۱۳۹۷: ۸۸). با وجودی که در حال حاضر دولت اسرائیل در روابط با بسیاری از کشورهای عربی خاورمیانه با چالش‌های چند دهه گذشته مواجه نیست اما همچنان نگاهی جدی به کشورهای مسلمان غیر عرب با دولت‌هایی لائیک همچون باکو دارد.

۴- مسائل جهان اسلام

علی‌رغم نبود اشتراکات دینی، فرهنگی و تاریخی بین آذربایجان و اسرائیل، هر دو طرف بر اثر نیازهای اقتصادی- سیاسی و امنیتی بر اساس طرح پیرامونی دست به ایجاد رابطه با یکدیگر زدند. دلایل متعددی باعث نزدیکی هر دو طرف به یکدیگر شده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: ترس از گسترش نفوذ اسلام‌گرایان تندرو در منطقه؛ کم‌رنگ کردن عامل دین در منازعه اعراب و اسرائیل؛ مسئله فلسطین و غیره. سیاست خارجی اسرائیل که همواره منافع ملی را در خارج از مرزهای خاورمیانه عربی جستجو می‌نماید، توانست با ارتباط با کشور آذربایجان به هدف نزدیک شود. این رابطه نه تنها اسرائیل را قادر ساخت تا در امور اقتصادی آذربایجان منافع فراوانی را کسب نموده و نیازهای نفتیش را تأمین کند؛ بلکه توانسته تا حدودی از گسترش بنیادگرایی اسلامی در منطقه قفقاز جنوبی بکاهد. بعلاوه گسترش نفوذ اسرائیل در آذربایجان که منجر به کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران و کاهش تهدید انتقال سلاح‌های کشتار جمعی در منطقه قفقاز جنوبی شد، بر اهمیت اسرائیل در نزد غرب افزود. در مقابل باکو که با مشکلات زیاد اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی مواجه بود، توانست با ایجاد رابطه با تل‌آویو و تحکیم روابط با شریک استراتژیک آن یعنی واشنگتن تا اندازه زیادی به اهداف اقتصادی- سیاسی و امنیتی خود دست یابد.

به علت تضاد شدید کشورهای عربی مسلمان خاورمیانه با اسرائیل، امکان همکاری‌های سیاسی و اقتصادی با این کشورها میسر نیست، بنابراین همان‌طور که اشاره شد از اهداف اصلی سیاست خارجی اسرائیل گسترش رابطه با کشورهای مسلمان غیر عرب است تا از طریق یافتن متحدانی جدید بتواند چهره ضد اسلامی که از این کشور ترسیم شده است را بهبود بخشد و در سطح بین‌المللی مشروعیت خود را ارتقاء دهد. به همین دلیل یافتن متحد خاصی فراتر از جهان عرب در میان کشورهای مسلمان از جمله اهداف استراتژیک اسرائیل برای مدت‌زمانی طولانی بوده است (Bourtman, 2006: 53). بر اساس این نظریه

موفقیت در ایجاد رابطه با کشور آذربایجان مسلمانان، نه تنها چهره ضد اسلامی اسرائیل را در جهان از بین خواهد برد و از یک اتحاد ضد اسرائیلی از طرف تمامی کشورهای مسلمان جلوگیری می‌نماید، بلکه منافع سیاسی - اقتصادی زیادی برای اسرائیل در بر خواهد داشت. علاوه، در نظریه اکثر سیاستمداران آذربایجان قرار گرفتن نظام حکومتی ایران، مبتنی بر ایدئولوژی اسلام شیعه، در همسایگی آذربایجان که بیش از ۹۰٪ جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دهد، می‌تواند برای تحت تأثیر قرار دادن مردم مسلمان این کشور نسبت به مسائل جهان اسلام از جمله فلسطین به وجود آورد. همکاری بخش امنیتی دولت اسرائیل با آذربایجان تا حدود زیادی توانسته از تهدیدات بنیادگرایان اسلامی نیز جلوگیری کند. (فلاح پیشه، ۱۳۸۰: ۱۷۴). از طرفی به دلیل اینکه ایران و آذربایجان اشتراکات مذهبی و تاریخی هستند زمینه صدور انقلاب از سوی ایران ممکن است.

چارچوب‌های همکاری جمهوری آذربایجان و اسرائیل

دولت آذربایجان در راستای مناسبات خود با اسرائیل به دنبال یک روش پراگماتیک و عمل‌گرایانه بوده و روابط با اسرائیل را نه تنها در بعد اقتصادی بلکه در دیگر ابعاد سیاسی و امنیتی نیز دنبال نموده است. در واقع منافع ملی اسرائیل و آذربایجان، رابطه بین دو طرف را با استفاده از نظریه طرح پیرامونی، به سمت وسوی نوعی همگرایی سوق داده است. در ادامه به چارچوب همکاری‌های طرفین پرداخته خواهد شد.

همکاری در حوزه سیاسی

آذربایجان از روابط با اسرائیل اهداف سیاسی زیر را دنبال می‌کند: الف) بحران قره‌باغ: روابط آذربایجان با اسرائیل می‌توانست در جنگ قره‌باغ بیشتر در جهت تأثیرگذاری لابی یهودیان بر دولت‌های غربی بخصوص آمریکا بکار آید. آذربایجان که هنوز امکان

بازگشت روسیه به دوران سابق نظام کمونیستی را منتفی نمی‌بیند، امنیت خود را در معرض تهدید تلقی نموده و برای مقابله با این تهدیدات سعی در جلب حمایت سیاسی به‌طور مستقیم و یا از طریق لابی یهودیان در آمریکا را دارد. در واقع داشتن رابطه سیاسی مستحکم با ابرقدرت باقی‌مانده از جنگ سرد و هم-پیمانان آن برای آذربایجان بسیار مهم بوده و در نظر دولتمردان آذری حمایت‌های سیاسی غرب برای بقا و پیشرفت این واحد سیاسی ضروری است (Sullivan, 2009)؛ بنابراین، آذربایجان کوشیده است تا هم باعث ارتقا و جبهه و سیاست‌های موردنظر خود در واشنگتن شود و هم سمپاتی ایجادشده در میان اکثریت کشورهای غربی به نقش ارمنستان را کمرنگ سازد (راد گودرزی، ۱۳۹۵: ۱۹۹).

ب) کشور آذربایجان نیز به دلایل مختلفی به دنبال کسب حمایت سیاسی غرب است به‌ویژه آنکه از اهداف اصلی و اولیه آذربایجان مقابله با ایده‌های توسعه‌طلبانه روسیه است و بنابراین از آنجا که مقامات اسرائیل، به‌عنوان متحد آمریکا به کرات حمایت خود را از تمامیت ارضی آذربایجان اعلام کرده‌اند.

پ) آذربایجان درصدد است تا در موضوع اختلافات تقسیم دریای خزر و انتقال انرژی به اروپا از حمایت‌های سیاسی غرب و اهرم فشار آن بهره‌مند شود.

ث) مقامات جمهوری آذربایجان تصور می‌کنند به نسیبی که روابط آذربایجان با کشورهای قدرتمند غربی یا متحدان آن‌ها گسترده شود این مسئله می‌تواند به بهره‌برداری سیاسی داخلی و بین‌المللی و همچنین نمایش استقلال آن کمک کند.

همکاری در حوزه انرژی

هسته اصلی سیاست خارجی جمهوری آذربایجان حفظ موقعیت این کشور به‌عنوان صادرکننده بزرگ انرژی نیز است چراکه تجربه متفاوت در طی سال‌ها باعث شده است تا این مسئله اهمیت خود را حفظ کند. طی سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۴ تولید ناخالص داخلی جمهوری آذربایجان ۶۰ درصد کاهش یافت و صنعت نفت این کشور با کاهش

سرمایه‌گذاری روبه‌رو شد اما با تلاش‌های مقامات آذربایجان سال ۱۹۹۴، دولت باکو ۳۲ قرارداد مجموعاً بالغ بر ۶۰ میلیارد دلار برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی امضا کرد. از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۰۹، رشد ناخالص داخلی به‌طور متوسط ۱۶ درصد برای دوره سال‌های بین ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ افزایش یافت؛ بنابراین مجموعه شرایط پیش‌گفته سبب شد جمهوری آذربایجان نه تنها به اهمیت انرژی بلکه به جایگاه خود به‌عنوان کشوری جذاب برای سرمایه‌گذاری خارجی در زمینه نفت و گاز توجه کند. در حقیقت، گاز طبیعی به کشور جمهوری آذربایجان اعتبار بخشید. در سال ۱۹۹۹، میدان وسیع شاه‌دینیز در دریای خزر کشف شد و این کشور در سال ۲۰۰۷ در تأمین گاز به استقلال رسید. امروزه عرضه‌ای بیش از ۲ میلیارد مترمکعب گاز وجود دارد و برآورد می‌شود تا سال ۲۰۱۷ این حجم به ۱۰ میلیارد مترمکعب برسد. در طول دهه گذشته رشد ثروت به‌واسطه انرژی بسیار چشمگیر بوده است. در واقع، این موفقیت ممکن است یک تهدید بزرگ برای ایران باشد. تحلیلگران تخمین می‌زنند که ۵۰ درصد از تولید ناخالص داخلی و ۹۰ درصد کل صادرات به‌واسطه انرژی بوده است.^۱ پیش‌بینی می‌شود تا ۲۰۲۱ تولید نفت خام جمهوری آذربایجان به حدود ۸۵۰,۰۰۰ برسد (tradingeconomics, 2020). بهره‌برداری از منابع انرژی در دریای خزر تغییر محسوسی در اعمال عرضه این منطقه و اهمیت جمهوری آذربایجان ایجاد کرد که با پروژه‌های مختلف توسعه می‌یافت.

منابع نفتی گسترده آذربایجان و موقعیت جغرافیایی آن که به‌نوعی کریدور طبیعی شرقی - غربی برای انتقال منابع انرژی موجود در دریای خزر و آسیای میانه است، تبدیل به یکی از انگیزه‌های اساسی اسرائیل برای شکل دادن و گسترش رابطه‌اش با آذربایجان شد. برای

۱ برای مطالعه بیشتر بنگرید به "ژئوپلیتیک انرژی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز"، نوشته‌ی سید محمد بنگرید به: هوشی السادات و سارا روا، تهران، نشر سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۹۵.

اسرائیل از سال ۱۹۴۸، دسترسی به منابع نفت و گاز از موضوعات چالش برانگیز بوده است. چراکه اصلی‌ترین تولیدکنندگان نفت منطقه کشورهای عربی بودند که موجودیت آن را به رسمیت نمی‌شناختند. به همین دلیل منطقه سرشار از انرژی خزر برای اسرائیل و اروپا درست در زمانی که سطح تولید در دریای شمال کاهش یافته بود، اهمیت اساسی یافت. در دوران جنگ سرد، اسرائیل نفت مورد نیاز خود را از مصر، غرب آفریقا و مکزیک تأمین می‌کرد؛ اما از زمان فروپاشی شوروی، اسرائیل اولویت‌های مربوط به خرید منابع انرژی خود را تغییر داد و به سوی کشورهای تازه استقلال یافته متمایل شده است (راد گودرزی، ۱۳۹۵: ۲۰۲). از این رو، گسترش روابط اسرائیل و آذربایجان از سطح دیپلماتیک به حوزه‌های فنی، خدماتی و اقتصادی ارتقا یافته و زمینه سرمایه‌گذاری در انواع پروژه‌ها فراهم شده است. از جمله آنکه سیاست‌گذاران رژیم صهیونیستی هم از نظر مالی و هم از لحاظ سیاسی به پروژه باکو-تفلیس - جیحان کمک‌های شایانی کرده‌اند. اسرائیل حتی زمانی که پروژه باکو - تفلیس - جیحان افتتاح نشده بود، یک مشتری کلیدی برای نفت جمهوری آذربایجان به شمار می‌رفت و هم‌اکنون با توجه به افتتاح این خط لوله و با توجه به مجاورت بندر جیحان ترکیه با رژیم صهیونیستی، یک فرصت جدید برای همکاری‌های بیشتر در این بخش از اقتصاد فراهم شده است. بعلاوه با ایجاد خط لوله «اشکلون ایلات»^۱ رژیم صهیونیستی می‌تواند یک همکار راهبردی برای رساندن نفت حوزه دریای خزر به بازارهای آسیای شرقی باشد که این موضوع با وجود خطوط لوله گاز محور شرق به غرب همانند باکو - تفلیس - ارزروم و همچنین ناباکو، دور از دسترس برای اسرائیل نیست (کرمی ناوه کش و نظر پور، ۱۳۹۲: ۶۱).

^۱ خط لوله ایلات اشکلون در ابتدا برای انتقال نفت خام ایران به اروپا (جنوب به شمال) ساخته شده بود، اکنون برای انتقال نفت خام آذربایجان و روسیه به هند و چین (شمال به جنوب) مورد استفاده قرار می‌گیرد.



باکو تأمین کننده نخست نفت اسرائیل است و حدود ۴۰ درصد مصرف سالیانه نفت اسرائیل را فراهم می کند. نفت آذربایجان به عنوان نفت کشوری غیر عرب و نزدیک، از طریق خط لوله باکو- جیهان در مدیترانه به اسرائیل می رسد. علاوه بر این، شرکت سوکار آذربایجان در اکتشاف نفت و گاز سواحل اسرائیل مشارکت دارد. از دلایل علاقه مندی در این حوزه این است که اسرائیل اقدام به بازسازی ارتش جمهوری آذربایجان و جمهوری آذربایجان در مقابل نیازهای نفتی اسرائیل را تأمین می کند (جعفری فر و جوان پور هروی، ۱۳۹۷: ۸۸).

همکاری در حوزه اقتصادی

با در نظر گرفتن اهمیت گسترش روابط اقتصادی اسرائیل در میان پنج شریک تجاری نخست آذربایجان است. جدول میزان واردات و صادرات و جزئیات در ادامه آمده است:

صادرات آذربایجان (۲۰۱۹)	واردات کشور آذربایجان (۲۰۱۹)	
۱,۳۳ میلیارد دلار	۴۳,۶۹ میلیون دلار	اسرائیل

منبع: tradingeconomics.com



(منبع: پیشین)

مقایسه نمودارهای واردات و صادرات نشان‌دهنده این است که اسرائیل از نظر صادرات جمهوری آذربایجان در رتبه چهارم است ولی از نظر واردات در قیاس با سایر کشورها و به‌ویژه ایران در رتبه پایین‌تری در جدول قرار دارد..

همکاری نظامی

امنیت نظامی قدیمی‌ترین برداشت از امنیت است. از سال ۱۹۴۵ تا به حال ارتش‌ها در کشورهای مختلف جهان رشد زیادی کرده و نقل و انتقال تسلیحات نظامی نیز بسیار گسترده

شده است. در این وضعیت حمایت قدرت‌های بزرگ تأثیر فراوانی در پیروزی و یا عدم شکست کشورهای ضعیف داشته است. مناقشه آذربایجان با ارمنستان بر سر منطقه قره‌باغ به علت عدم برخورداری آذربایجان از یک ارتش مدرن و قدرتمند و نبود حامی‌های قدرتمند سبب گردید تا دولت آذربایجان در مقابل طرف مناقشه در وضعیت ضعیف‌تری قرار گیرد. از این‌رو آذربایجان از سال ۱۹۹۳ سعی و تلاش زیادی برای به دست آوردن متحدان قدرتمند غربی انجام داد تا در مناقشه قره‌باغ از اهمیت وزنه مشترک مسیحی بودن ارمنستان و غرب بکاهد. وابستگی نظامی - امنیتی جمهوری آذربایجان و ارمنستان به بازیگران بین‌المللی باعث شده است تا تأثیرگذاری این بازیگران در بحران قره‌باغ به صورت گسترده‌ای افزایش یابد. به گونه‌ای که روسیه و ارمنستان در سال ۱۹۹۷ با تصویب اصلاحیه‌ای بر قرارداد همکاری نظامی سال ۱۹۹۲، آن را به مدت ۲۵ سال دیگر تمدید کردند. در این اصلاحیه روسیه متعهد می‌شود که پایگاه‌های نظامی مستقر در ارمنستان، علاوه بر منافع ملی روسیه، امنیت ارمنستان را نیز تأمین کند و همچنین با به‌روزرسانی فناوری و سیستم‌های نظامی موجود در ارمنستان در تضمین امنیت این کشور در قبال جمهوری آذربایجان نقش بیشتری ایفا کند. در بند دیگری نیز مدت‌زمان استقرار پایگاه‌های نظامی روسیه برای ۲۴ سال دیگر تمدید شده و به ۴۹ سال رسید (زهرانی و فرجی لوحه سرا، ۱۳۹۲: ۱۲۱). در مقابل نیز آذربایجان برای برقراری توازن قوا سعی داشته است به غرب و متحدان آن از جمله اسرائیل نزدیک شود. پس از انعقاد قرارداد نظامی - امنیتی اسرائیل و ترکیه در سال ۱۹۹۶ که اسرائیلی‌ها طی آن اجازه مانور در ترکیه را پیدا کردند و سالانه مانور عقاب آناتولی را انجام دادند، جمهوری آذربایجان نیز خواستار عضو ناظر فعالیت‌ها و مانور نظامی این دو رژیم شد. یکی دیگر از ابعاد حضور نظامی اسرائیل در منطقه قفقاز، همکاری ترکیه، اسرائیل و جمهوری آذربایجان است که در سال ۲۰۰۲ با انعقاد پیمان ترابوزان شدت گرفت، که هدف آن گسترش اتحاد نظامی ترکیه و اسرائیل به جمهوری آذربایجان در راستای طرح به اصطلاح خاورمیانه بزرگ جهت خارج کردن

اسرائیل از انزوای منطقه‌ای است (احمد کاظمی، ۱۳۸۱: ۱۲). اسرائیل در سال ۲۰۰۳، دومین پایگاه اطلاعاتی خود را در منطقه جنوبی جمهوری آذربایجان راه‌اندازی کرد (کاظمی، ۱۳۸۳: ۱۷). در سال ۲۰۰۹ همکاری‌ها شامل طیف گسترده‌ای از اقدامات یعنی خرید تجهیزات نظامی، خدمات آموزشی، تولید تحت لیسانس و برنامه‌های ارتقا و به‌روزرسانی تجهیزات بود. آذربایجان در سال ۲۰۱۱ بزرگ‌ترین قرارداد نظامی خود با اسرائیل را منعقد کرد. این قرارداد شامل موشک‌های ضد کشتی گابریل^۱، موشک‌های ضدتانک-ضدسنگر اسپایک^۲، سیستم دفاع هوایی باراک^۳، رادارهای پیش‌خطار و کاوش هوایی گرین پین^۴ و ارتقای تانک‌های آذربایجان (مدل‌های تی ۷۲ و احتمالاً تی ۶۲) و تجهیزات الکترونیکی و حفاظتی اسرائیلی بود. در سال ۲۰۱۳ شروع به ساخت کشتی جنگی ملی کرد که در اجرای این پروژه نیز اسرائیل نقشی اساسی داشت. به‌طور کلی خرید تسلیحات از رژیم صهیونیستی در روابط این دو نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. آذربایجان حجم قابل توجهی تجهیزات نظامی از اسرائیل با هدف مقابله با همسایگان خود به‌ویژه ارمنستان وارد می‌کند. هواپیماهای بدون سرنشین، سیستم ضد هوایی و موشکی و سیستم گنبد آهنین که از پیچیده‌ترین سیستم‌های نظامی اسرائیل است، از جمله خریدهای نظامی آذربایجان از اسرائیل بوده است (Thehill, 2017). پس با توجه به گرایش روسیه به سمت ارمنستان و تقویت نظامی این جمهوری در مقابل باکو، آذربایجان هم بر پایه درآمدهای سرشار نفتی خود به فکر همکاری نظامی با اسرائیل افتاد تا با افزایش توان نظامی خود در مقابل ارمنستان و مجهز شدن به تسلیحات به‌روز، در هرگونه تنش در مناقشه قره‌باغ دست برتر را داشته باشند. از همین رو، گسترش روابط دیپلماتیک باکو-تل‌آویو با نگاه غرب‌گرایانه این کشور آمیخته است (Sullivan, 2009). طبق آمارها مخارج نظامی جمهوری آذربایجان از

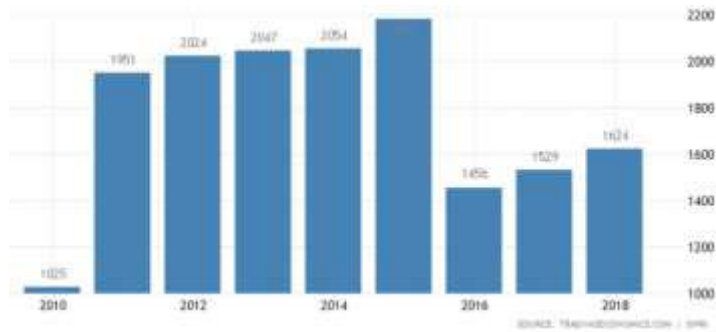
¹ Gabriel

² Spike

³ Barak

⁴ Green Pine

سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۸ به طور متوسط ۸۵۱,۳۳ میلیون دلار بوده است و انتظار می رود مخارج نظامی در آذربایجان تا پایان سال ۲۰۲۰ به ۱۴۹۰,۰۰ میلیون دلار برسد (tradingeconomics,2020).



همچنین بر اساس داده‌های انستیتوی تحقیقات بین‌المللی و صلح استکهلم، آذربایجان دومین خریدار اسلحه اسرائیل است و ۱۷ درصد از صادرات اسلحه این کشور را به خود اختصاص داده است. در سال ۲۰۱۷، باکو ۱۳۷ میلیون دلار برای سلاح‌های اسرائیلی پرداخت کرده است و الهام علی‌اف رئیس‌جمهوری آذربایجان نیز بیان داشته است که در ۲۰۱۸ قرارداد بین شرکت‌های اسرائیلی و جمهوری آذربایجان با خرید تجهیزات دفاعی به رقم ۴,۸۵ میلیارد دلار رسیده است (Caspiannews,2019). به‌طور کلی می‌توان اهداف آذربایجان و اسرائیل را از این همکاری‌ها در جدول زیر مشاهده کرد:

اهداف اسرائیل	اهداف آذربایجان
ایجاد پایگاه‌های شنود در منطقه به خصوص در مجاورت مرزهای ایران	جلب نظر متحد کشورهای غربی عضو ناتو در قفقاز جنوبی
کسب موقعیت نفوذی در پایگاه‌های آذربایجان	افزایش حضور کارشناسان نظامی اسرائیل در قفقاز
بهره‌گیری از موقعیت آذربایجان در مقابل اسلام سیاسی	بهره‌گیری از فناوری نظامی
تقویت موقعیت خود در برابر ایران	تقویت نیروهای خودی در برابر ارمنستان

تأثیر روابط آذربایجان و اسرائیل بر امنیت ملی ایران

پس از فروپاشی اتحاد شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان، جمهوری اسلامی ایران در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ استقلال آذربایجان را به رسمیت شناخت؛ و روابط دیپلماتیک بین دو دولت در ۱۲ مارس ۱۹۹۲ شکل گرفت. کنسولگری ایران که در سال ۱۹۶۹ در باکو ایجاد شده بود، در سال ۱۹۹۲ به‌عنوان سفارتخانه جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان آغاز به کار و از دسامبر ۱۹۹۲ سفارتخانه جمهوری آذربایجان نیز در جمهوری اسلامی ایران شروع به فعالیت کرد. باید گفت روابط ایران با جمهوری آذربایجان در مسیری پر افت و خیز قرار داشته است. در ژوئن ۱۹۹۲ و هنگامی که ایلچی بیگ، رهبر جبهه خلق آذربایجان که گرایش‌های ملی‌گرایانه داشت به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد، موضعی بشدت غرب‌گرا و طرفدار آمریکا گرفت و بر ویژگی ترکی ملت جدید تأکید کرد. به نظر می‌رسید هدف از جهت‌گیری غرب‌گرای ایلچی بیگ، جلوگیری از نفوذ روسیه و ایران در قفقاز جنوبی بوده است. با این حال، روابط میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان علی‌رغم بهره‌مندی از بعضی زمینه‌های فرصت‌ساز همچنان با چالش‌های عمده‌ای مواجه خواهد بود. منابع تنش در روابط ایران و آذربایجان چنین است: یکپارچه نبودن سرزمین آذربایجان و محصور بودن آن در خشکی، نگرانی از زمینه‌های وابستگی درازمدت ژئوپلیتیک آذربایجان به ایران، مسئله‌ی اتحاد آذربایجان یا آرمان آذربایجان بزرگ، صدور ارزش‌های شیعی، تمایل استراتژیک آذربایجان به ناتو و آمریکا و روابط آذربایجان با اسرائیل را می‌توان در شمار منابع تنش دو کشور به حساب آورد؛ اما دو مسئله‌ی حق آب‌های ارس و نظام حقوقی دریای خزر از منابع تنش محسوب می‌شوند (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۰). در خصوص روابط آذربایجان با اسرائیل باید گفت که جمهوری اسلامی ایران نفوذ و اقدامات اسرائیل را تهدیدی علیه منافع ملی خود قلمداد می‌کند. از جمله اقداماتی که اسرائیل در آذربایجان توانسته در مقابل حضور ایران در آذربایجان انجام دهد و تهدیدی برای امنیت ملی ایران باشد عبارت‌اند از:

- مهار گسترش و نفوذ بازیگران ضد اسرائیلی: اسرائیل بر اساس بهره‌مندی از رابطه ویژه با ایالات متحده و نیاز و میل کشوری چون آذربایجان به افزایش رابطه با غرب کوشیده است تا با حضور در این کشور جدا از پیگیری منافع راهبردی، امنیتی و سیاسی خود راه‌های مؤثری برای مقابله با تشکیل ائتلاف‌های جدید ضد غربی و ایجاد حوزه‌های نفوذ و مهار نیروهای ضد اسرائیلی در منطقه به‌ویژه ایران داشته باشند.
- اسرائیل با بهره‌گیری از همکاری با آمریکا، حضور خود در آذربایجان را گسترش داده و با گسترش حضور و نفوذ همه‌جانبه اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی خود مانع از حضور بیشتر ایران در آذربایجان شده است. این امر در حالی است که اکنون اسرائیلی‌ها بر این نظرند که در چارچوب افزایش چالش‌ها در روابط باکو و مسکو، چالش‌های مداوم در روابط ایران و آذربایجان، فرصت‌های گسترش روابط اسرائیل با آذربایجان همچون تمدید رادار قبله و ... پیدا کنند.
- اسرائیلی‌ها با درک محدودیت‌های اعمالی مسکو و دیگر کشورها در صادرات سلاح به کشور آذربایجان کوشیده‌اند بیشترین بهره‌برداری را در این زمینه داشته باشند. این امر در حالی است که در اقتصاد اسرائیل فروش تسلیحات نظامی نقش مهمی داشته و دارد.
- نفوذ اسرائیل در آذربایجان باعث کاهش امنیت جمهوری اسلامی ایران با زمینه‌سازی گسترش ناتو و به‌ویژه دخالت ایالات متحده در منطقه شده است. همچنین فعالیت‌های فرهنگی اسرائیل در آذربایجان می‌تواند شامل تهدیدات زیر علیه امنیت ملی ایران باشد: ۱- خنثی‌سازی تبلیغات ضد صهیونیستی جمهوری اسلامی ایران ۲- ترویج فرهنگ غربی در آذربایجان ۳- سیطره و جهت‌دهی بر امکانات فرهنگی علیه جمهوری اسلامی ایران ۴- تبلیغ علیه روابط ایران و آذربایجان (فلاح، ۱۳۸۹: ۲۲۷-۲۲۴).

نتیجه گیری

برای سیاستمداران اسرائیلی ایجاد روابط سیاسی با آذربایجان بسیار مهم تلقی گردیده است؛ چراکه اسرائیل از بدو تأسیس تا به امروز در محاصره کشورهای عربی متخاصم قرار گرفته و امکان ایجاد روابط سیاسی و یا توسعه اقتصادی با آنها را ندارد. این امر از همان آغاز تأسیس اسرائیل بر سیاستمداران اسرائیلی روشن بود. بدین سبب در دهه ۱۹۵۰ اولین نخست‌وزیر اسرائیل، دیوید بن گورین، به دنبال یک اتحاد در منطقه خاورمیانه بدون حضور کشورهای عربی بود؛ بنابراین عواملی که باعث تلاش اسرائیل برای نزدیک‌تر شدن به جمهوری آذربایجان گردد عبارت‌اند از:

۱. نفوذ مستقیم و بلا واسطه در کشوری که ماهیت آن اسلامی و پیوندهای فرهنگی عمیقی با بزرگ‌ترین دشمن اسرائیل یعنی جمهوری اسلامی ایران داشته است، علاوه بر ایجاد فرصت برای امور جاسوسی و دشمن‌شناسی، به تضعیف بعد اسلامی کشمکش اسرائیل و فلسطین کمک شایانی می‌کند. همان‌گونه که اسرائیل با دوستی با جمهوری آذربایجان نشان می‌دهد که در نزدیکی به یک کشور شیعه مسلمان ناتوان نیست و در واقع از خود چهره کشوری را نشان می‌دهد که در صورت درک شدن قادر به درک کردن خواهد بود.
۲. حضور اسرائیل در نزدیکی مرزهای جمهوری اسلامی تأثیرات روانی غیرقابل‌انکاری را در پی خواهد داشت.
۳. تقویت طرح خاورمیانه بزرگ با نفوذ اسرائیل در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز.
۴. تأمین منابع اولیه از جمله منابع غنی انرژی از جمهوری آذربایجان.

در مقابل آذربایجان بعد از فروپاشی شوروی می‌کوشد روابط خود را با اسرائیل در جهت حفظ اتحاد با غرب و برای ایجاد تعادل در منطقه قفقاز در سیاست خارجی خود در

اولویت قرار دهد. در خصوص چرایی تمایل باکو به روابط با تل آویو می‌توان اهداف زیر را بیان کرد:

- ایجاد ارتباط با آمریکا و کشورهای اروپائی از طریق اسرائیل.
- استفاده از کمک‌ها و مساعدت‌های اسرائیل برای سرمایه‌گذاری در آذربایجان
- استفاده از لابی یهود در مقابل لابی ارامنه در کنگره آمریکا
- مبارزه با اسلام‌گرایی افراطی و تروریسم.
- بهره‌گیری از کمک اسرائیل در بحران قره‌باغ

جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، علاوه بر واگرایی با سیاست‌گذاری‌های یک‌جانبه گرایانه ایالات متحده و ائتلاف غرب، بنا به ارزش‌گذاری‌های خاص نظام سیاسی خود، در خط‌مشی‌های سیاسی - امنیتی، مقوله ایدئولوژی را به‌دقت مدنظر قرار داده است. این بدان معنی است که اهداف ارزشی - هویتی بخش اساسی از اهداف قابل تعقیب در سیاست‌گذاری‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین با توجه به این نکته می‌توان به درک جامع‌تری از رفتارهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تعاملات آن با دیگر کشورها دست یافت. با توجه به همسویی و همگرایی راهبردی - امنیتی اسرائیل در منطقه خاورمیانه با ایالات متحده آمریکا و نظام ارزشی ائتلاف غرب و هنجارهای حاکم بر نظام بین‌المللی و تعارضات هویتی - ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی ایران با موجودیت رژیم اسرائیل، هرگونه افزایش حضور اسرائیل در محیط پیرامونی ایران به‌انحاء مختلف سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و فنی و تکنولوژیکی به معنای کاهش میزانی از نفوذ و قدرت تأثیرگذاری ایران تلقی شده و طبیعتاً تهدیدی برای امنیت ملی آن به حساب می‌آید. بنابراین می‌توان گفت هرگونه افزایش قدرت تأثیرگذاری رژیم اسرائیل در منطقه قفقاز و بهره‌گیری از هر شیوه‌ای و به هر میزانی، منجر به ایجاد تهدیدی علیه منافع و امنیت ملی ایران می‌گردد.

منابع

- افرایم انبار، امنیت ملی اسرائیل، ترجمه حمید نیکو، موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، تهران، ۱۳۸۸، ص ۱۷-۱۶.
- جعفری فر، احسان؛ جوان پور هروی، عزیز (۱۳۹۷)، عوامل مؤثر بر همگرایی اسرائیل و جمهوری آذربایجان (۱۹۹۱-۲۰۱۷)، فصلنامه راهبرد سیاسی سال دوم، شماره ۵، تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۰۰-۸۳
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۲)، ایران و رژیم صهیونیستی از همکاری تا منازعه، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
- خلیلی، محسن؛ حیدری، جهانگیر؛ صیادی، هادی؛ اصغری ثانی، حسین (۱۳۹۱)، ژنوم های ژئوپلیتیک مؤثر در سیاست خارجی ایران و جمهوری آذربایجان، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام سال اول، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۱ صص ۷۶-۴۳
- راد گودرزی، معصومه، صفری، عسگر (۱۳۹۶)، بحران آب در آسیای مرکزی و نهادهای بین‌المللی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۰، زمستان ۱۳۹۶، صص ۱۱۸-۸۹
- راد گودرزی، معصومه (۱۳۹۵)، روابط استراتژیک اسرائیل و آذربایجان: بنیادها و الزامات، فصلنامه سیاست جهانی، دوره پنجم، شماره سوم، صص ۲۱۸-۱۸۵
- رضایی، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، اسرائیل در آسیای مرکزی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۳، پائیز ۱۳۷۷، ص ۷۸-۶۵
- زهرانی، مصطفی؛ فرجی لوحه سر، تیمور (۱۳۹۲)، منابع بین‌المللی تداوم بحران قره‌باغ، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۳، پاییز ۱۳۹۲، ص ۱۳۴-۱۰۷
- شادمانی، مهدیه؛ یزدانی، عنایت‌الله (۱۳۹۷)، دکترین اتحاد پیرامونی و امنیت اسرائیل، فصلنامه مطالعات سیاسی سال دهم، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۶۸-۱۴۷

فلاح، رحمت‌الله (۱۳۸۸)، تأملی بر حضور و نفوذ اسرائیل در آسیای مرکزی و قفقاز،

فصلنامه مطالعات راهبردی. جهان اسلام، سال دهم، شماره ۳

فلاح پیشه، حشمت‌الله (۱۳۸۰)، تحولات امنیتی آسیای مرکزی و قفقاز و امنیت ملی ایران،

تهران: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

کاظمی، احمد (۱۳۸۲)، اتحاد ترابوزان اهداف و پیامدها، گزارش پژوهشی مرکز تحقیقات

استراتژیک، شماره ۴۳

کرمی ناوه‌کش، محسن؛ نظر پور، داوود (۱۳۹۲)، منابع نفت و گاز جمهوری آذربایجان،

تحركات انترژیک اسرائیل و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات منطقه‌ای،

شماره ۴۹، ص ۴۹-۷۴

کریمی پورف یداله؛ ربیعی، حسین؛ یعقوبی، سید محمد (۱۳۹۸)، بررسی زمینه‌های

همگرایی و واگرایی ایران و عربستان در چارچوب جغرافیای صلح، نگرش‌های نو در

جغرافیای انسانی سال یازدهم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۸، صص ۳۲۴-۳۰۷

کیانی، جواد؛ زرگر، علیرضا؛ بنی مسنی، محمد؛ رشید حفظ آباد، موسی (۱۳۹۸)، بررسی

عوامل همگرایی در روابط ایران و پاکستان و تأثیر آن بر امنیت نواحی مرزی، فصلنامه

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸، صص ۷۸-۵۳

Abilov, shamkhal (2010), "the azerbaijan-israel relations: a non-diplomatic,

Bourtman, i. 2006. 'israel and azerbaijan's furtive embrace', middle east quarterly, vol. 13, no. 3, pp. 47-57.

But strategic partnership", usak yearbook of international politics and law, no. 3, pp. 317-331

Caspiannews. (2019, nov 23). Retrieved from israeli ambassador voices support for azerbaijan's territorial integrity:

<https://caspiannews.com/news-detail/israeli-ambassador-voices-support-for-azerbijans-territorial-integrity-2019-11-20-53/>

Elizabeth, sallivan. "iran angered by ties between israel and azerbaijan", available in: <http://www.clelland.com> (2009/ july/ 14).

بررسی روابط ایران و جمهوری آذربایجان فرصت ها و چالش ها (25 مرداد، 1395). QAFQAZ.ir.

, Retrieved from: <http://qafqaz.ir/fa/>ف-آذربایجان-ف

Thehill (2017), azerbaijan and israel—genuine muslim-jewish relations, <http://originnyi.thehill.com/blogs/congress-blog/foreign-policy/312506-azerbaijan-and-israel-genuine-muslimjewish-relations-and>

Tradingeconomic. (2020). Retrieved from azerbaijan imports by country: <https://tradingeconomics.com/azerbaijan/imports-by-country>

Tradingeconomics. (2020). Retrieved from azerbaijan crude oil production1994-2020: <https://tradingeconomics.com/azerbaijan/crude-oil-production>

Tradingeconomics. (2020). Retrieved from azerbaijan exports by country: <https://tradingeconomics.com/azerbaijan/exports-by-country>